



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# کتابخانه

عالمی اسلام

# قرآن

استاد حسین انصاریان

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	سخن ناشر
۸	قرآن کتاب یادآوری
۱۲	شرک ، ظلم عظیم
۱۶	امیرمؤمنان علیه السلام مظلوم دارای کرم
۲۰	گریه بر حسین علیه السلام ، عطیة کریم مطلق
۲۴	خواسته های مثبت و منابع کرم
۳۰	درباره مرکز

## آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با کرامات اهل بیت علیهم السلام / مولف حسین انصاریان؛ ویرایش و تحقیق مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی.

مشخصات نشر: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۳۵ ص. ۲۱×۱۲ اس. م.

شابک: ۳۵۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع: کرامت -- جنبه های مذهبی -- اسلام

رده بندی کنگره: BP۱۰/۵/الف ۵۸۲ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۵۸۷

ص: ۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامهٔ عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دست‌یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژهٔ آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانهٔ دانشمندان محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سىء الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابى القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين

المعصومين المكرمين

## قرآن كتاب ياد آورى

كتاب خدا مى فرمايد : «إِنَّهُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (۱) اين قرآن جز يك منبع ياد آور حقايق عالم ، ياد آور احكام الهى ، ياد آور حلال و حرام خدا ، ياد آور سرگذشت گذشتگان براى عبرت گيرى مخاطبان و ياد آور مسائل بعد از مرگ براى جهانيان ، نيست .

ص: ۳

---

۱- تكوير: ۲۷.



«إِنَّهُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ .» (۱) تکویر: ۲۷. (۲): این کتاب ، یک منبع کامل هدایت ، یک منبع کامل موعظه ، یک منبع کامل پسند ، یک منبع کامل عبرت و درس آموزی ، و یک منبع کامل قوانین زندگی است . اما برای چه کسی ؟ این قسمت خیلی مهم است : «لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» (۳) : برای کسی که بخواهد در صراط مستقیم حق قرار گیرد ، این منبع اثر بخش است : «لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ .» این خواستن شما ، خیلی مهم است و آن ، خواستن شما به صورت فوق العاده است ، و آن ، خواستنی است که موتور حرکت شما برای پذیرش این منبع ، و به اجرا گذاشتن برنامه های این منبع است ، اما اگر کسی در دنیا ، به اختیار خودش ، این منبع را نخواهد ، چه سودی از این منبع عایدش می شود ؟ باید گفت ، هیچ سودی از این منبع به او نمی رسد . در آخرت هم از شفاعت این کتاب بهره ای نمی برد ؛ چون این کتاب در قیامت شفاعت کننده رده اول است : «فَأَنَّهُ شَاقِعٌ مُّشَفَّعٌ» .

این سخن پیغمبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است که منابع روایی شیعه و سنی این روایت را نقل کرده اند .  
(۴)

ص: ۴

-۱

-۲

۳- تکویر: ۲۸.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹۹ - بیهقی، سنن کبری، ج ۱۰، ص ۹.

حالا اگر کسی بخواهد این خواسته مثبت را که اگر ارایه به غیر خدا، به غیر انبیاء، به غیر ائمه: و به غیر قرآن بشود، یا اصلاً برآورده نمی شود؛ چون غیر این منابع، قدرت برآوردن این خواسته های مثبت را کسی ندارد، یا اگر برآورده بشود، در حدّ کاملی برآورده نخواهد شد:

دست حاجت چو بری، پیش خداوندی بر

که کریم است و غفورست و رحیمست و دود

کرمش نـ امتنـ اهـی، نـ عمـ شـ بـی پایان

هیچ خواهنـ دهـ ازیـ نـ در نرود بی مقصود (۱)

ص: ۵

---

۱- سعدی.

آن منابعی را هم که خودش برای برآوردن خواسته ها قرار داده ، کار خودش را انجام می دهند ، مثل قرآن ، مثل انبیاء ، مثل ائمه طاهرین : . این جا آدم باید عاقلانه کار کند ؛ یعنی تمام خواسته های مثبتش را ببرد در خانه خدا ؛ ببرد در خانه انبیاء ؛ ببرد در خانه ائمه : ؛ ببرد در پیشگاه قرآن مجید . به اذن الله این منابع مسئولند که خواسته های مثبت بشر را برآورده کنند .

ص: ۶

خیلی این مسأله عظیم است . نمونه ای از قرآن را برای تان بگویم . قرآن شرک را «ظلم عظیم» می داند ؛ یعنی کسی بیاید در کنار پروردگار ، یک قدرت دیگری را قایل بشود و بگوید ، به صورت مستقل کار به دست این شریک در قدرت خدا هم هست . چیزی را علم نکند ، حالا یا بت جاندار را ، یا بت بی جان را ، این کار ظلم عظیم است : «إِنَّ الشُّرَكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (۱). این یک آیه است . «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (۲) : در قیامت هر گناهی را هر کس می خواهد پیش من بیاورد ، من آن را می بخشم ، ولی شرک را نمی بخشم : «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ .» (۳) این سخن را که گفتم ، در قیامت است ؛ چون در دنیا تا آدم مهلت دارد ، شرک قابل آمرزش است ؛ چنان که قبل از بعثت انبیاء ، در صد بالایی از مردم مشرک بودند . آن هایی از مشرکان که متدین گشتند ، آمرزیده شدند «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (۴)

ص: ۷

---

۱- لقمان: ۱۳.

۲- نساء: ۴۸.

۳- نساء: ۴۸.

۴- نساء: ۴۸.

، این سخن ، موضع خداوند نسبت به شرک است . حالا همین خدا با این موضع گیری سخت ، چه در برابر خود شرک که گفته است : ظلم عظیم است ، و چه در این که گفته من شرک را نمی آمرزم . حالا شما بگو خدایا به کبریاءت بر نمی خورد ، مشرکین را هم بیامرزد . نه اراده از لیش تعلق گرفته به این که بعد از مردن ، هیچ مشرکی را نبخشد . معلوم می شود ، مشرک خیلی مورد نفرت خدا است . حالا همین خدا ، در سوره توبه به پیغمبر : می گوید ، که اگر لحنش را نگاه کنید ، لذت می برید . آدم دلش می خواهد برای چنین

خدایی بمیرد ، از بس که این خدا خوب است : «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ» (۱)

ص: ۸

---

۱- توبه: ۶.

: و حیب من! اگر مشرکی که دچار ظلم عظیم و گناهی است که من او را نمی بخشم، از تو درخواست پناهندگی کرد، اوقات تلخ نشود و چهره ات در هم نرود، «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ» (۱): بلافاصله درخواست پناهندگی او را قبول کن و بگذار بیاید. آغوش خودت را باز کن، و به خانه ات راهش بده؛ در مسجد راهش بده. الآن است که ما می گوئیم، مشرک و یهودی به داخل مسجد نیایند، اما در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پروردگار فرموده بود، ای پیامبر! در خانه ات و مسجد من را بر روی همه باز

ص: ۹

---

۱- توبه: ۶.

بگذار . چون من خواسته همه را می توانم اجابت کنم و من خدایی نیستم که کسی بیاید بگوید چیزی به من عطا کن ، و من بگویم ، ندارم ، «فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ .» (۱) : بگذار بیاید و از این زبان نرم تو ، کلام خدا را بشنود و معالجه شود و برگردد .

پروردگار خواسته مثبت احدی را رد نمی کند . انبیاء هم مسئولند که رد نکنند . ائمه طاهرین هم مسئولند که رد نکنند . آنان چه سفره ای برای ما انداخته اند ، که ما خودمان هم نمی دانیم ، و نمی فهمیم ؟

ص: ۱۰

---

۱- توبه: ۶.

امیر مؤمنان علیه السلام پس از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خیلی زجر کشید . عبارت «خیلی» که می گویم ، یعنی واقعاً و بدون مبالغه ، «خیلی» . بگذارید از قول خودشان که به تواتر از ایشان رسیده ، بگویم . هنگامی که شنید کسی داد می زد : «أَنَا مَظْلُومٌ» : من ستم دیده ام . به او فرمود : «هَلُمَّ فَلْنَصْرِخْ مَعِيَ فَإِنِّي مَيَّا زِلْتُ مَظْلُومًا» : بیا با هم فریاد کنیم که من همواره مظلوم بوده ام . امام با این کار ، هم ناراحتی او را تسکین داد و هم مظلومیت خویش را اعلام فرمود که من از زمان مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا هم اکنون مظلوم واقع شده ام ، و نیز در سخنی فرمود : پروردگارا قریش را رسوا ساز که مرا از حقم ممنوع ساختند و خلافتم را غصب نمودند ، و نیز از آن حضرت علیه السلام رسیده : من همیشه تحت فشار حکومت استبداد بوده ام و از آنچه حقم بود و سزاوار آن بودم ، ممنوع گشتم .



در اواخر حکومتش، وقتی که پیایی برایش خبر می آوردند که لشکر معاویه بر شهرها دست یافته اند، آن حضرت از سستی یاران خود در جنگ با دشمنان و مخالفتشان با فرمان و تدبیرش، دل‌تنگ و آزرده گردید و این چنین رنج علی علیه السلام به اوج رسید. حضرت در حالی که از شدت اندوه دل‌تنگ شده بود و می نالید، بر منبر مسجد کوفه رفت و در انتهای سخنان عتاب آلودش به کوفیان گفت: «فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدِلْهُمْ بِي شَرًّا مِنِّْي اللَّهُمَّ مَثُ قُلُوبِهِمْ كَمَا يُمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ» (۱):  
خدایا! علی را از این مردم بگیر و یکی

دیگر را به این ها بده. مردم کوفه! شما از بس که مرا اذیت کردید، دعا می کنم که خدا دل هایتان را بساید؛ مانند: نمکی که در آب ساییده شود.

ص: ۱۲

---

۱- مکارم شیرازی، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۴۶ به نقل از شرح ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۳۰۵.

مالک اشتر در روز روشن دید که کنار درختی علی علیه السلام تک و تنها نشسته و زار زار دارد گریه می کند . گفت : علی جان ! برای چی گریه می کنی ؟ فرمود : از دست مردم ، به اندازه ریگ ها و تک تک پشم هایی که روی بدن گوسفندان است ، به من ظلم شده است . دلم را آب کردید ، خدایا ! من را بگیر . مالک ! امان از دست مردم ، زبان مردم ، قضاوت مردم ، تهمت مردم ، سستی مردم .

ص: ۱۳

با این همه ، همین مردم ، روزی آمدند و در خانه اش را زدند . او که دم درب آمد ، آن ها گفتند : باغ ها ، زراعت هایمان دارد می سوزد ، آخر تو پیش خدا آبرو داری ، دعا کن تا باران بیاید .

فکر می کنید این علی با مردم چه کار کرد ؟ آیا گفت : به به ، الان روز تلافی است . مردم نامرد ! چشمتان کور ؛ رنج ببرید . نه ، چنین نبود و او آنان را از کرم خویش مأیوس نکرد . حضرت سرش را به داخل خانه برگرداند و حسن و حسین علیه السلام را صدا کرد و از آن ها خواست دعاهای طلب باران را بخوانند . همین که آن دو از دعا کردن فارغ شدند ، به امر خداوند متعال ، آسمان شروع به باریدن کرد . (۱)

ص: ۱۴

---

۱- مدینه المعجزه، ج ۳، ص ۳۹۵..

## گریه بر حسین علیه السلام ، عطیه کریم مطلق

در روایات است که به طور کلی گریه از اثربخش ترین عبادات است که هیچ پیمانانه و وزنی نمی تواند ارزش آن را بسنجد (۱).

یک گریه در قرآن است که خداوند درباره آن می فرماید: « أَعْيَنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ » (۲) عارفان به من ! از دو چشمانشان ، مانند دو چشمه آب ، اشک می ریزد . این گریه ، گریه وصل به خداست . دومین گریه ای که کنار گریه برای خدا ، از

بزرگ ترین گریه هاست ، گریه برای اباعبدالله الحسین علیه السلام است . این گریه را هم خدا انتخاب کرده . چکارش می شود کرد ؟ به چه کسانی داده ؟ به شما . چیزی را از شما گرفته و این گریه را داده است ؟ نه ، آن را مجانی به شما داده ، بهشت مجانی ، آمرزش مجانی ، شفاعت مجانی . چرا مجانی ؟ چون کریم است . یکی که از او چیزی می خواهد ، نمی تواند به او عنایت نکند . نمی تواند کسی به کریم بگوید که او بخل می ورزد . بخل در حریم کریم راه ندارد . نمی شود درباره کریم مطلق چنین گفت ؛ چنانکه درباره کرم حاتم که - یک قطره از ده ها اقیانوس بی کران کرم خداوند هم نیست - ،

ص: ۱۵

---

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۱.

۲- مائده: ۸۳.

بخل راه نداشت و به همین جهت حاتم وقتی که مرد با آنکه مشرک بود در عین حال پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به او احترام می کرد . همیشه از او ذکر خیر می کرد . وقتی که در جنگ با قبیله طی ، دختر حاتم اسیر شد . هر چند پسر حاتم توانست به شام فرار کند . وقتی دختر حاتم به اسارت به مدینه آورده شد ، به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت ، یا رسول الله ! من دختر حاتم هستم . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ»<sup>(۱)</sup> : باید احترام پدر در فرزندش حفظ شود . پس فرمود : تو آزادی . گفت من این آزادی را نمی خواهم . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : اگر مدینه بمانی ، به کنیزی می برندت . گفت : نه ، اگر می خواهی من را آزاد کنی ، بقیه را هم آزاد کن . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : بقیه هم آزادند .<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۶

---

۱- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۷، به روایت فاطمه ۳.

۲- حائری، شجره طوبی، ج ۲، ص ۴۰۰.

در آن زمان ها ، جوانی برای ازدواج با دختری به خواستگاری رفته بود . پدر که با رئیس قبیله ای جنگ و دشمنی داشت ، به این پسر گفت : مهریه دختر من ، سر بریده حاتم است . جوان هم گفت که من می روم و برایت این سر را می آورم . او به قبیلهٔ بنی تیم ، قبیله حاتم ، رفت . از یکی پرسید که خیمه حاتم کجاست ؟ آن فرد که خود حاتم بود ، بی آن که خود را معرفی کند ، آن جوان را به چادرش برد و به او گفت : جوان ! اهل کجا هستی ؟ جوان گفت : متعلق به فلان قبیله ام . حاتم گفت : این جا برای چه چیزی آمدی ؟ گفت : خواهشی از حاتم دارم . حاتم گفت : خواهشت چیست ؟ جوان گفت : نمی توانم به شما بگویم و باید خودش را ببینم . سر است . حاتم گفت :

من امینم و سخت را برای هیچ کس نقل نمی کنم و من می توانم دردت را دوا کنم . چی می خواهی ؟ جوان گفت : خودش را باید ببینم . حاتم گفت : فرض کن خودش من هستم . این قدر این جوان محبت دید تا بالاخره به قول ما فریب محبت را خورد و راز خود را به حاتم گفت : راستش این است که من عاشق دختری شدم و خانواده اش او را به من نمی دهند مگر این که سر بریده حاتم را به عنوان مهر پیش آن ها ببرم . حاتم به او گفت : حالا تو مسافری و خسته ای ، بنشین تا من شربت و نانی بیاورم تا میل کنی ، شب که شد ، من تو را راهنمایی می کنم که بتوانی بی سر و صدا سر حاتم را ببری و با خودت ببری . نیمه شب ، حاتم جوان را بیدار کرد و کاردی به دست او داد و گفت : اگر مشکل تو با سر من حل می شود ، این کارد و این هم سر من . چه اشکالی می شود به حاتم گرفت ، جز این که باید گفت او کریم بود ، و مقتضای کریم بودن این است . حاتم که دید جوان در انجام خواسته خود تعلل می کند ، به او گفت : چرا بلند نمی شوی ؟ جوان گفت : من از آن دختر ، بلکه از همه دنیا گذشتم ، حیف است که به شما تلنگری بخورد ، تو باید سالم بمانی .

ما هم در شب جمعه به در خانه کریم مطلق رفته و می خوانیم : «يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَيَّ الْبَرِّيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَيِّئِيَّةٍ وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ»<sup>(۱)</sup> ، البته ، منهای دو گریه ای که گفته شد و در واقع عطیه هایی از جانب کریم مطلق اند ، گریه در مصیبت عزیزان را هم به ما اجازه داده اند ، تا حدی که به جزع و فزع نرسد . به جزع و فزع که رسید ، دیگر خوب نیست فرد گریه کند <sup>(۲)</sup>

ص: ۱۸

---

۱- کفعمی، المصباح، ص ۶۴۷.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۱.

## خواسته های مثبت و منابع کرم

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»، این فقره از دعای کمیل به ما می گوید، تمام انسان هایی که دارای سلسله خواسته های مثبت اند، باید این خواسته ها را پیش کریم ببرند و آبروی شان را پیش بخیل نبرند؛ این خواسته ها را پیش افراد محدود نبرند. اصلاً پیش کسی نبرند؛ چرا که خداوند متعال آن همه منبع کرم برای ما قرار داده است. برای درک این منابع کرم، چند قضیه برای تان نقل می کنم.

شب جمعه ساعات رحمت الهی است. به خدا قسم! این مطالبی را که من می گویم، از روی اعتقاد می گویم. به خدا قسم! من جبری مسلک نیستم. من اعتقاد نسبت به عمل انسان، همانی است که ائمه: فرمودند. من جبری مسلک نیستم، اما خود خدا کارهایی را می کند که ظاهرش به شکل اختیار ماست. به خدا قسم! این لباس سیاه را خود او به ما پوشانده است. به خدا قسم! این اشک را خود او جاری کرده است. ما و گریه برای ابی عبدالله علیه السلام؟ ما کی هستیم؟ او کریم است و این از کرم اوست. چه کار می کند این کریم؟ این قضیه را پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برای تان نقل می کند. حضرت صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: شب معراج، رفیق و همسفر من، امین وحی، جبرئیل علیه السلام بود. از جمله جاهایی که او من را بُرد و گرداند، بهشت بود؛ بهشتی که در قیامت آشکارش می کنند.



در حال گشتن ، دو قصر را دیدم نماکاری یکی از این قصرها ، از رنگ سبز بود و نماکاری یکی دیگر از این ها از رنگ قرمز . به امین وحی گفتم ، این دو قصر متعلق به چه کسی است ؟ خیلی با ارزشند . جبرئیل علیه السلام گفت : یکی از آن ها متعلق به حسن علیه السلام تو است و یکی هم متعلق به حسین علیه السلام توست . گفتم : چرا به این رنگ ها ؟ گفت : اما حسن علیه السلام تو را زهر سختی می دهند و او به مرگ طبیعی نمی میرد و در هنگام مرگ رنگش به سبزی می گراید ، اما حسین علیه السلام تو ، در خون خودش می غلظد . خدا خواسته این دو نشانه را حفظ کند .(۱)

ص: ۲۰

---

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۴۵.

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به محض این که به این شکل خبر شهادت حسن و حسین علیه السلام خود را شنید ، زار زار در معراج گریه کرد . خطاب رسید حبیب من ! گریه تو برای من سخت است ، گریه نکن ! گریه نکن ! گفت : خدایا ! این محبت به بچه ها را مگر خودت به آدم نمی دهی ؟ دلم می سوزد . درباره کریم دارم می گویم . گفت : حبیب من ! اگر دلت می خواهد نسوزد ، من پرونده شهادت حسن و حسین علیه السلام تو را ببندم و در برابرش ، تو نباید در قیامت به یک نفر از امت کار داشته باشی . از کل آن ها خودم حساب می کشم و از شفاعت دیگر خبری نیست و ما با هم معامله می کنیم . جواب را ببین . پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت : مگر می شود که من دارا باشم و در قیامت از دارایی ام به فقیری ندهم . گفت خدایا ! اگر نور دو چشمم ، زهرا سلام الله علیها ، هم با این دو تا بچه کشته بشود ، شفاعت مرا از امتم نگیر !

ما این جا باید ثابت قدم بمانیم و پیش خدا بمانیم که او هر خواسته مثبت ما را برآورده می کند . پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و پیش علی علیه السلام بمانیم . کنار درِ خانه زهرا سلام الله علیها بمانیم . پیش اباعبدالله علیه السلام بمانیم . به آن ها اجازه دادند همه مشکلات ما را حل کنند ؛ خواسته های مثبت ما را برآورده کنند .

در خرابه شام نشسته اند . روز است و هر کسی در گوشه ای سر به دیوار دارد و آرام آرام دارد گریه می کند . خانمی که خیلی با ادب هم بود ، یک دیگ بزرگ غذا آورد و آرام پرسید : بزرگ شما کیست ؟ زینب کبری علیه السلام آمد .

ص: ۲۲

و گفت : چکار دارید؟ آن زن گفت : مقداری غذا آوردم . زینب کبری سلام الله علیها خیلی آرام فرمود : قانون دین ما صدقه گرفتن را بر ما حرام کرده . آن زن گفت : خانم ! این صدقه نیست ؛ بلکه نذر است . من در اصل اهل شام نیستم . من بچه چهار ساله بودم که مریض شدم . لمس شدم . همان طوری ماندم و معالجه نشدم . یک روز مادرم با عصبانیت به پدرم گفت ، این گوشت افتاده را بردار و ببر در خانه علی ، یا بگو دمی بزند تا او خوب بشود یا بمیرد به خانه نیاید .

خانم! خدا امید هیچ مادری را ناامید نکند. من را برد و روی خاک کوچه خواباند و در زد. علی آمد و در را باز کرد. پدرم گفت: آقا! مادرش خیلی ناراحت است و من نمی خواهم مزاحم شما بشوم. گفت: یا بمیرد یا خوبش کنید. پدرم که این سخن را به حضرت علیه السلام گفت، او سرش را به داخل خانه برگرداند و صدا زد: حسین من! بیا. خانم! آن وقت حسین علیه السلام پنج سالش بود که آمد دم درب. علی علیه السلام به او گفت: پسر من! خدا بنا ندارد نفس تو را برگرداند. نگاهی به این بچه بینداز و خوبش کن. خانم! حسین علیه السلام نگاهی به من کرد و من الآن پنجاه سال است که دارم زندگی می کنم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

